

اسناد چه خبری باشد چه انشائی بر سه گونه است : ۱ - اسناد حقیقت عقلی

۲ - اسناد مجاز عقلی ۳ - اسنادی که از این دو قسم خارج است .

اسناد حقیقت عقلی عبارت از اسناد فعل یا معنی فعل است به چیزی که اسناد

بدان در نزد سخنگو ظاهراً بجا و درست باشد مانند اسناد فعل بفاعل یا بمفعول

چنانکه فعل « کشته شد » در مصراع دوم این بیت بمفعول اسناد داده شده است :

سراسر از او بخت برگشته شد بدست یکی بنده بر کشته شد

داخل در این قسم است اسنادی که هم موافق با واقع باشد هم با اعتقاد مانند :

جهان را بلندی و پستی توئی همه نیستند آنچه هستی توئی

نیز داخل در این قسم است اسنادی که با اعتقاد تنها موافق باشد مانند گفتار

معتزلی با کسی که بیخبر از اعتزال او باشد و او بخواهد این عقیده را از وی پنهان

دارد و با وی چنین سخن گوید :

از خدا دان خلاف دشمن و دوست که دل هر دو در تصرف اوست

گرچه تیر از کمان همی گذرد از کماندار بیند اهل خرد

و طبیعی برای کسی که از عقیده اش آگاه نباشد بگوید :

طبیعت بس شکفتیها نماید شکفتی بر شکفتیها فزاید

الی آخر در مثال اول اسناد خیر و شر بخداوند اسنادی بجا و درست است

(در نظر سخنگو ظاهراً یعنی نظر بظاهر حال وی) اگر چه حقیقت امر جز آنست

در مثال دوم اسناد اظهار عجائب بطبیعت بی شعور و بی اراده بر خلاف حقیقت و واقع

ولی در نظر سخنگو ظاهراً اسنادی بجا و درست است .

نیز داخل در این قسم است اسنادی که نه با واقع مطابق باشد نه با اعتقاد

چنانکه میگوئی : فلانی مرد - در حالی که میدانی نمرده است ولی مخاطب نمیداند

اینهم اسنادی است که در نزد سخنگو ظاهراً بجا و درست است چه آنکه هر چند

سخنی بدروغ گفته ای ولی قرینه ای برخلاف اراده خود در سخن نشانده ای حال

ملاحظه کنیم که اگر مخاطب هم بدانند چه صورتی خواهد داشت البته در این صورت

اسناد حقیقی بودنش محقق نیست بلکه بر دو گونه است : یکی آنکه مخاطب با

آگاهی از زنده بودنش با خبر ازین باشد که سخنگو میدانند او نمرده است. دوم آنکه مخاطب ازین امر بیخبر باشد نخستین نزد سخنگو اسنادی بجا و درست نیست نه در حقیقت و نه در ظاهر (که قرینه صارفه‌ای وجود ندارد) پس اسناد حقیقت عقلی نیست شاید برای شباهتی که با اسناد مزبور دارد آنرا مجاز بتوان خواند و گر نه از قبیل سخنانی بیهوده است که گوینده اش را میتوان به حق و جنون منسوب نمود ولی دومی برخلاف اولی است زیرا وقتی که مخاطب نمیداند سخنگو از نمردنش آگاه است از ظاهر حالت چنین می فهمد که این اسناد نزد او درست و بجاست بنا بر سهو یا فراموشی از وی.

گایمانه مدرسه فیضیه قم

قسم دوم اسناد مجاز عقلی. که آنرا مجاز حکمی و مجاز در اثبات و اسناد مجازی نیز نامیده‌اند و آن اسناد فعل یا معنی فعل است بمشابه خود آن ولی نه مشابهی که اسناد بدان بجا و درست باشد با تأول یعنی با نشانیدن قرینه‌ای در سخن که صارف اسناد باشد از بجا و درست بودن مانند اسناد بغير فاعل در موردی که فعل برای فاعل بنا شده باشد یا بغير مفعول در صورتی که فعل برای مفعول بنا شده باشد چون فعل همانندهای مختلف دارد مانند فاعل، مفعول بیواسطه، مصدر، زمان، مکان، سبب پس اسناد فعل بفاعل یا مفعول بیواسطه هنگامی که فعل برای آنها بنا شده باشد حقیقت است مانند مثالهایی که ذکر شد و اسناد آن بغير آنها از لحاظ مشابعت غیر با آنها مجاز است این دومی را اسناد نامیدن از باب استعاره است چنانکه نام شیر را برای مردی از لحاظ شباهتی که در جرأت بدان دارد استعاره مینمایند مثال: عیش راضی - سیل سرشار - که راضی بجای مرضی آمده و سرشار بجای اینکه بزمین اسناد داده شود بسیل اسناد داده شده است یا روزش روزه دار است - شبش شب بیدار است شاه این دانش که پاینده را بنیاد کرد (در مورد سبب) چه شاه سبب شد و معمار بنیاد کرد یا در سبب غائی گویی: تأدیب زدش سیلی - که تأدیب سیلی زده بلکه سبب غائی زدن سیلی بوده است.

دو امر از تعریف اسناد مجازی خارج شده است: ۱ - وصف فاعل یا مفعول بمصدر مانند: مردی صدق و عدل است یا کیتی اقبال و ادبار است بجای مقبل و مدبر

است ۲- وصف چیزی بصفتی که خود پدید آورنده و صاحب آن چیز است مانند: کتاب حکیم - اسلوب حکیم - حکیم پدید آورنده کتاب و صاحب اسلوب است چه آنکه در مثال اخیر هر چند چیزی که برای فاعل بنا شده بمفعول اسناد داده شده (چنانکه در اسناد مجازی گفته شد) ولی نه بمفعولی که این مسند با آن مشابه است بلکه این مسند کار دیگری از کارهای مفعول است و تعریف اسناد مجازی ظاهر در اینست که مفعولی که اسناد بسوی آن مجاز است باید از جمله مفاعیلی باشد که این مسند با آن مشابه بوده باشد همچنین است آنچه اسناد داده شود بمصدری که با آن فعل دیگری از افعال فاعل آن مشابه باشد (یعنی خود مسند مشابه با مصدر نباشد) مانند: گمراهی دور - شکنجه دردناک - که آنچه دور است شخص گمراه است و آنچه دردناک و دردمند است شخص شکنجه یاب است پیداست که این مصدر از مصادری نیست که این مسند با آن مشابه باشد.

صاحب کشف که یکی از علمای بزرگ علم بلاغت است میگوید در اسناد مجاز عقلی معتبر است که آنچه فعل بدان اسناد داده میشود متلبس بفاعل حقیقی خود باشد مانند: سود ندارد تجارتشان - که سود نداشتن بتجارت اسناد داده شد و تجارت باید متلبس بفاعل حقیقی خود یعنی بکسانی که چنین تجارتی کرده اند متلبس باشد نه بفاعل مجازی گر چه ما باید آنرا از باب اسناد بسبب بدانیم چه تجارت سبب سود است و موجود و مسبب تاجر است حال اگر بگوئیم چرا در بسیاری از موارد مجاز عقلی بچیزهایی گفته میشود که این تعریف صاحب کشف شامل آنها نیست مانند: میان آندو دشواری است - شب و روز مکر میکند - ای دزد شب پرهیز از اهل خانه، از نوهار رویاننده و از جویبار رونده در شکستم - از کار اسرافکاران اطاعت نکنید - جوی روان ساختم - چشم شب را خواباندم و امثال اینها از نسبت های اضافی و ایقاعی میگوئیم اساساً مجاز عقلی اعم است از اینکه مجاز در نسبت اسنادی باشد یا در غیر اسنادی (اضافی - ایقاعی) پس همانطور که اسناد فعل بغير آنچه حتماً باید مسند الیه واقع شود مجاز است همچنین ایقاع فعل بر غیر آنچه حتماً باید فعل بر آن واقع گردد و یا اضافه مضاف بغير آنچه حتماً باید مضاف الیه واقع شود نیز مجاز خواهد بود (۳۷)

زیرا که چنین فعلی از موضع اصلی خود فقط تجاوز کرده است پس آنچه در کتاب ذکر شده یا تعریف مجاز عقلی در اسناد است خاصتاً یا مطلق مجاز عقلی بدین لحاظ که اسناد مذکور در تعریف اعم باشد از اسنادی که صریح سخن بر آن دال باشد چنانکه مثالهای آن گذشت یا اسنادی که سخن مستلزم آن باشد چنانکه در مثالهای اخیر میان را دشوار، شب و روز را مکار، شب را دزدی شده. کار را مورد اطاعت قرار داده اند همچنین است موردی که مسند مجازی برای مسند الیه تمیز قرار داده شود چنانکه در این مثالها:

بره از همه خلق گمراه ترند ازینرو بجای از همه بدترند

که بره و بجای تمیزند برای مسندی که مسند الیه که ضمیر مستقل (اند) آخر شعر باشد بدان اسناد داده شده ضمیر مذکور در هر دو مصراع حالت اسنادی دارد و به معنی هستند میباشد) و در حقیقت مسند الیه مجازی است

زیرا گمراه بودن و بد بودن در هر دو مثال قائم است براه و جای و تحقق مسند الیه بمسند است و در این جا بدون راه و جای گمراهی و بدی تحقق نمی یابد و اساساً تمیز همان مسند است چنانچه در این مثال: نه هر که بقامت مهتر بقیمت بهتر بقامت و بقیمت تمیزند ولی تحقق مسند الیه بی وجود آنها غیر ممکن است

باقید بتأول در تعریف اسناد مجازی گفتار زیر از نادان از تعریف خارج میگردد:

«بهار سبزه را رویانید» در حالی که رویاندن سبزه را از بهار پندارد چه چنین

اسنادی هر چند اسنادی است بغير آنچه اسناد بدان بجا و درست است و لسی تأولی در آن نیست چه که این اسناد مورد قصد و اعتقاد اوست مثال زیر نیز از تعریف خارج

میشود: پزشك بیمار را شفا داد و امثال آن که با اعتقاد مطابق است نه بسا واقع

همچنین سخنان دروغ که سخنکواز آنها قصد دروغگویی داشته باشد از تعریف خارج

میگردد چه تأولی در آنها نیست و از همین نظر که اشتراط تأول در تعریف اسناد

مجاز عقلی موجب خروج گفتار نادان بشرحی که گفته شد از تعریف میباشد این سخن

را: «آمدن صبح و رفتن شب کودک را جوان کرد و پیر را فانی ساخت» مادام که معلوم

یا مظنون نباشد که ظاهر آن مقصود گوینده نبوده بر مجاز حمل نمیکند